

سید محمد علی سلطان زاده اطاقسرایبی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی

و دبیر ادبیات دبیرستان‌ها

و مراکز پیش دانشگاهی بابل

چکیده

در این مقاله تلاش بر این بوده است که موسیقی کناری غزلیات خاقانی شروانی بررسی شود و با آماری که از غزلیات وی به دست آمده، تعداد غزل‌های مردّف و غیرمردّف مشخص گردد. در بخش غزلیات مردّف، خاقانی بیشتر از ردیف‌های فعلی استفاده کرده و بدین طریق معانی و مضامین را در غزلیاتش گسترش داده است. در بخش غزل‌های غیرمردّف، او با استفاده از قافیه‌های ملحقه فقدان ردیف را جبران کرده است. در ادامه مقاله بحث ردّالقافیه، تکرار قافیه و قافیۀ میانی با بیان بسامد آنها در غزلیات خاقانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها:

قافیه، ردیف، تکرار قافیه، ردّالقافیه، قافیۀ مجرد، قافیۀ ملحقه و قافیۀ میانی.

مقدمه

کسانی که اندک شناختی از ادب فارسی دارند، با شنیدن نام خاقانی به یاد قصاید غزا و دشوار و استوارش می‌افتند. او نظر موسیقی کناری به آوردن قافیه و ردیف‌های مشکل در ادب فارسی شهرت دارد و علت مشکل بودن بسیاری از اشعار او همین امر است. هرچند که شهرت خاقانی مرهون قصاید اوست و ما او را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قصیده‌سرایان صاحب سبک می‌شناسیم اما این شاعر نامی در سرودن غزل نیز دستی دارد و حدود ۳۴۰ غزل زیبا و دل‌انگیز سروده است.

از بررسی شعرهای فارسی، عربی و ترکی به خوبی دانسته می‌شود که ردیف خاص ایرانیان و اختراع ایشان است؛ زیرا تا آنجا که می‌دانیم، در این سه زبان ردیف وجود دارد اما هیچ کدام به اهمیت و سابقه زبان فارسی نیست. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۱۲۴)

با توجه به مقدمه یاد شده، غزلیات خاقانی را از نظر قافیه و ردیف بررسی می‌کنیم. لازم به ذکر است که استاد شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر در مورد ردیف‌های غزلیات خاقانی گفته است: «از میان تقریباً ۳۰۰ غزل در دیوان خاقانی، ۲۲ غزل بدون ردیف است.» (همان: ۱۵۷)

موسیقی کناری در غزلیات خاقانی سرور

ردیف

براساس تحقیق نگارنده از دیوان خاقانی، وی ۳۴۰ غزل سروده است که ۲۶۵ غزل دارای ردیف و حدود ۷۵ غزل بدون ردیف است. ردیف‌های فعلی، که گاهی به صورت عبارت‌های فعلی، جمله و حتی دو جمله نیز آمده‌اند، بسامد فراوانی دارند؛ یعنی، ۲۴۶ غزل در گروه ردیف‌های فعلی است و ۱۸ غزل دارای ردیف‌های اسمی و تنها ۱ غزل دارای ردیف حرفی است. برای نمونه به چند ردیف اسمی و فعلی (عبارت‌های فعلی، جمله و دو جمله) اشاره می‌کنیم.

– از عشق دوست بین که چه آمد به روی من
کز غم مرا بکشت و نیاززد موی من
– چون زلف یار گیرم دستم به یارب آید
چون پای او ببوسم جانم بر لب آید
– دردیست درد عشق که درمان پذیر نیست
از جان گریز هست و زجانان گزیر نیست

ردیف در حقیقت جزئی از شخصیت غزل است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۱۵۷) و به یقین می‌توان گفت که خاقانی به این امر واقف بوده است. در واقع، ردیف بر تأثیر موسیقی شعر می‌افزاید و قافیه باعث تداعی معنی می‌شود و خاقانی با علم و آگاهی از هر دوی آنها به خوبی بهره برده است. به خصوص که حدود ۲۴۶ غزل او دارای ردیف فعلی‌اند و از آنجا که فعل هسته گزاره است و بخش خبر جمله در فعل نهفته است، خاقانی برای استحکام شعرش و گسترش معانی آن بیشتر به ردیف‌های فعلی روی آورده است.

قافیه

قافیه به کار رفته در غزلیات خاقانی را در دو بخش مختلف بررسی می‌کنیم:
الف. غزل‌های مردّف
ب. غزل‌های غیر مردّف.

الف – غزل‌های مردّف: از ۲۶۵ غزل مردّف خاقانی بیشتر قافیه‌ها، قافیه‌های مجردند؛ یعنی، حرف یا حروف الحاقی در آنها دیده نمی‌شود؛ چنان که در ردیف‌های فعلی و عبارت‌های فعلی، که شامل ۲۴۶ غزل است قافیه در ۱۹۲ غزل به صورت قافیه مجرد و فقط در ۵۴ غزل به شکل قافیه ملحقه آمده است. برای نمونه، مطلع دو غزل که دارای قافیه مجردند، اشاره می‌کنیم.

– عقل ز دست غمت دست به سر می‌رود
بر سر کوی تو باد هم به خطر می‌رود
– کار عشق از وصل و هجران در گذشت
درد ما از دست درمان در گذشت
حروف مشترک قافیه‌ها به ترتیب «ر، آن» است. همان‌طور که دیده می‌شود، قافیه‌ها مجردند و هیچ حرف یا حروفی الحاقی به آنها افزوده نشده است.

اکنون به مطلع دو غزل مردّف که دارای قافیه ملحقه‌اند، اشاره می‌کنیم.

– کاشکی جز تو کسی داشتمی

یا به تو دسترسی داشتمی

– حاشا که مرا جز تو در آفاق کسی باشد

یا جز غم عشق تو به عالم هوسی باشد

حروف مشترک قافیه در بیت اول و دوم «س» است که (س) جزء حروف اصلی قافیه و «ی» جزء حروف الحاقی است.

در قسمت ردیف‌های اسمی شرایط مساوی است؛ یعنی از ۱۸ غزل مردّف اسمی، نیمی از آنها به شکل قافیه مجرد و نیمی دیگر به صورت قافیه ملحقه آمده است. برای نمونه به مطلع چند غزل مردّف اسمی با قافیه ملحقه و مجرد اشاره می‌کنیم.

– از عشق دوست بین که چه آمد به روی من

کز غم مرا بکشت و نیاززد روی من

– چه کرده‌ام به جای تو که نیستم سزای تو

نه از هوای دلبران بری شدم برای تو

خاقانی برای جبران کمبود ردیف از قافیه‌های ملحقه استفاده می‌کند

خاقانی در بسیاری موارد با تکرار قافیه، معنی و مضمون جدید می‌سازد

خاقانی برای
استحکام شعر و
گسترش معانی
و مضامین جدید،
ردیف‌های فعلی
را بر ردیف‌های
اسمی و حرفی
ترجیح می‌دهد

بیشتر قافیه‌ها
نزدیک به
۸۰ درصد) در
غزل‌های مردّف
قافیه‌مجردند

- رویم ز گریه بین چو گلین کاه زیر آب
وز شرم روی توست رخ ماه زیر آب
- خاک توام مرا چه خوری خون به دوستی
جان منی مرا مکش اکنون به دوستی
در نمونه‌های بالا دو مطلع اول غزل دارای قافیه
ملحقه و دو دیگر دارای قافیه مجردند.
در بخش ردیف، حرفی که تنها یک مورد از
غزل‌هایش را شامل می‌گردد، قافیه به شکل
مجرد است:

- طبع تو دمساز نیست عاشق دلسوز را
خوی تو باریگرسد یار بد آموز را

ب - غزل‌های غیر مردّف: همان‌گونه که بیان
کردیم، ۷۵ غزل خاقانی بدون ردیف‌اند. وضع
قافیه در این غزل‌ها در مقایسه با غزل‌های مردّف
کاملاً برعکس است؛ یعنی، ۶۵ غزل دارای قافیه
ملحقه و ۱۰ غزل دارای قافیه مجردند. وجود
قافیه‌های ملحقه در غزل‌های بی‌ردیف، نشانگر
آن است که خاقانی با آوردن حرف الحاقی
(صامت و مصوت‌های مشترک) به استواری و
استحکام غزلیاتش افزوده و توانسته است فقدان
ردیف را در این نوع غزل‌ها به این طریق جبران
کند. برای نمونه به مطلع این غزل توجه کنید:

- شوریده کرد ما را عشق پری جمالی
هر چشم زد ز دستش داریم گوشمالی

واژه‌های قافیه، جمالی و گوشمالی است و حروف
اصلی قافیه طبق قاعده ۲ (مصوت + یک یا دو
صامت) «ال» است و با پیوستن «ی» (حرف
وصل) حرف الحاقی واج‌های مشترک واژه قافیه
را افزون‌تر کرده و بدین طریق کمبود ردیف را
جبران نموده است.

ردّ القافیه: آن است که قافیه مصراع اول مطلع
غزل را در آخر بیت دوم تکرار کنند؛ به طوری
که موجب حسن کلام باشد. (همای، ۱۳۷۴: ۷۲)
استفاده از ردّ القافیه یکی از خصوصیات غزل‌های
خاقانی است. ردّ القافیه را یکی از محسنات و
صنایع بدیع شعری می‌دانند و خاقانی خواسته
است از این صنعت به نحو احسن استفاده کند.

در حدود ۴۸ غزل از غزلیات وی دارای ردّ القافیه
است. در زیر به چند مورد اشاره می‌کنیم.
- ای صبحدم ببین که کجا می‌فرستم
نزدیک آفتاب وفا می‌فرستم
- این سر به مهر نامه بدان مهربان رسان
کس را خبر مکن که کجا می‌فرستم

- آمد نفس صبح و سلامت نرسانید
بوی تو نیاورد و پیامت نرسانید

- یا تو به دم صبح سلامی نسپردی
یا صبحدم از رشک سلامت نرسانید

- حدیث تو به رها کن سبوی باده بیار
سرم کدو چه کنی یک کدوی باده بیار
- دو قبله نیست روا، یا صلاح یا باده

سر صلاح ندارم سبوی باده بیار
تکرار قافیه: آوردن یک قافیه به دفعات متعدّد در
یک شعر است. قدما برای تکرار قافیه حدودی
تعیین کرده بودند؛ تکرار قافیه را در غزل بیش
از یک بار جایز نمی‌دانستند. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۰۹)
خاقانی از تکرار قافیه در غزل‌های خود بسیار
استفاده کرده است. او از مجموعه ۳۴۰ غزل
در ۲۰۵ غزل تکرار قافیه دارد. تکرار قافیه در
غزل‌های خاقانی با فاصله‌های مختلفی آمده
است که بیشتر با فاصله ۳ تا ۴ بیت و با فاصله ۱
تا ۶ و ۷ بیت است. از این تکرارها حدود ۴۸ غزل
را ردّ القافیه تشکیل می‌دهد که به نظر علمای
بلاغت از محسنات شعری محسوب می‌شود؛
هرچند به سبب تکرار فراوان قافیه می‌توان
آن را از خصوصیات سبکی خاقانی دانست اما
وی در بسیاری از این تکرارها توانسته است با
استفاده از آرایه جناس تام از تکرار لفظ به یک
معنا جلوگیری کند و با تکرار قافیه مضمون و
معنای جدیدی بسازد. برای نمونه به چند مورد
اشاره می‌کنیم.

- روزم فرو شد از غم و در کوی عشق تو
این دود جز ز روزن من بر نمی‌شود



- روزی هزار بار بخوانم کتاب صبر
گوشم به توست لاجرم از بر نمی‌شود
شاعر واژه قافیه «بر» را در دو معنی متفاوت به
کار گرفته است؛ در بیت اول به معنی «بالا» و
در بیت دوم به معنی «حفظ کردن و به خاطر
سپردن». او با تکرار این واژه در معانی متفاوت
توانسته است مضمون و معنای جدیدی بسازد.
- به گه صبح زهره ز فلک همی در آید
ز صدای صوت زارش ز نوای زیر چنگش
- لب اوست آب حیوان دلم از طلب سکندر
خضر دگر شوم من اگر آرمی به چنگش
در نمونه بالا نیز شاعر واژه قافیه «چنگ» را در
معانی مختلف به کار گرفته است؛ در بیت نخست
به معنی «آلت موسیقی» و در بیت دیگر به معنی
«دست».

- طاق پذیرست عشق جفت نخواهد حریف
بر نمط عشق اگر پای نهی طاق نه
- دیده تو راست نیست لاف یکی بین مزین
صورت تو خوب نیست آینه بر طاق نه
که طاق در بیت اول «فرد، تک و مقابل جفت»
و طاق در حدود بیت دوم به معنی «یوان،
سقفی به شکل قوس که روی اطاق، درگاه و غیره
سازند».

قافیه میانی: بعضی از شاعران برای غنی‌تر کردن
موسیقی شعر، گاهی در پایان نیم مصرع نیز قافیه
می‌آورند. خاقانی هم در ۷ غزل خویش از قافیه
میانی استفاده کرده است. برای نمونه به غزلی
اشاره می‌کنیم.

بسته زلف اوست دل، آه از آن کیست او
خسته چشم اوست جان، مرهم جان کیست او
شهری و دل در آستین، بر درش آستان‌نشین
اینت مسیح راستین، درد نشان کیست او
شیفتگان یگان یگان، مست لبش زمان زمان
او رود از نهان نهان، گنج روان کیست او
کشت مرا دلش به کین، هست لبش گواه این
خامشی گواه بین، تنگ دهان کیست او
خلق چنان برند ظن، کوست به جمله ز آن من

من شده مست این سخن، تا خود از آن کیست او
سینه خاقانی و غم، تا نزد ز وصل دم
دعوی عشق و وصل هم، تا ز سگان کیست او

نتیجه‌گیری

۱. از ۳۴۰ غزل خاقانی، حدود ۲۶۵ غزل مردّف
است که در حدود ۲۴۶ تا از آنها ردیف فعلی
دارند.

۲. وجود ردیف‌های فعلی در مقایسه با ردیف
اسمی و حرفی سبب به وجود آمدن موسیقی
شعر و گسترش بیشتر معانی می‌شود و خاقانی از
این امر آگاه بوده است.

۳. در غزل‌های مردّف بیشتر قافیه‌ها مجرّدند؛
یعنی، از ۲۶۵ غزل مردّف ۲۰۱ غزل دارای قافیه
مجرّدند.

۴. خاقانی در غزل‌های بی‌ردیف برای جبران
فقدان ردیف، قافیه‌ای را می‌آورد که دارای حرف
الحاقی است.

۵. تکرار قافیه در غزلیات خاقانی بسیار زیاد است؛
یعنی، ۲۰۵ غزل او دارای تکرار قافیه‌اند که از
این میان، حدود ۴۸ غزل ردّالقافیه دارند که از
محسّنات شعری است. او در بسیاری از این موارد
با استفاده از آرایه جناس تام توانسته است با تکرار
قافیه مضامین و مفاهیم جدیدی بسازد.

منابع

۱. حق شناس، علی محمد؛ مقالات ادبی زبان‌شناختی، چاپ
اول، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۰.
۲. خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل؛ دیوان، به کوشش
ضیاءالدین سجادی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات زوار،
۱۳۷۴.
۳. شفیع کدکنی، محمدرضا؛ موسیقی شعر، چاپ ششم،
تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۹.
۴. شمسیا، سیروس؛ آشنایی با عروض و قافیه، چاپ یازدهم،
تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۴.
۵. ماهیار، عباس؛ عروض فارسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات
قطره، ۱۳۷۴.
۶. همایی، جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ
یازدهم، انتشارات هما، ۱۳۷۴.

